

The military doctrine of the future war

Mohsen Azizzadeh¹

Masoud Mohammadi Alasti²

Type of article: research article

Received: 17/05/2023

Accepted: 04/07/2023

NAJA Strategic Studies Quarterly/Vol.8/NO.2 (serial 28)/Summer 2023*131-166



DOR: 20.1001.1.25381946./ssj.2023.101626

Abstract

Background and purpose: future wars are heavily influenced by fundamental changes in the global geostrategic and geopolitical space and the increasing role of political, cultural, social and economic factors among countries, and certainly, current human knowledge will influence the way future wars are formulated and implemented; Accordingly, the impact of technological developments on future wars must be evaluated with revolutionary and new methods; Therefore, the present study was written in order to explain the military doctrine of future wars.

Method: This research is fundamental in terms of type and has been carried out with a descriptive-analytical method, and it deals with predicting and analyzing the alternative structures of the future of the world and the ways to deal with them in the framework of a military doctrine.

Findings: In formulating the new doctrine, it is necessary to take full advantage of the developments that occur in information technology, military electronics, surveillance capabilities, and precise guidance, and the fact that today's military hardware such as planes, ships, and tanks are tons of space for Carrying precision-guided munitions, sensors and missiles are degraded.

Conclusion: According to the results of this research, the key to the future is integration, and the military doctrine should include a wide range of different forces and combine them in an effective set so that it can be used as a powerful strike force.

Keywords: military doctrine, future wars, information technology.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. Doctoral student of political geography and geopolitics, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran (corresponding author). m.azizzadeh@modares.ac.ir

2. Assistant Professor, Doctrine Research Department, Faculty of Management and Command, Higher National Defense University, Tehran, Iran, masood.alasti@yahoo.com

دکترین نظامی جنگ آینده

محسن عزیززاده^۱

مسعود محمدی الستی^۲

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۳

فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا/سال هشتم/ شماره ۲ (پیاپی ۲۸) - تابستان ۱۴۰۲* ۱۳۱-۱۶۶



DOR: 20.1001.1.25381946./ssj.2023.101626

چکیده

زمینه و هدف: جنگ‌های آینده به شدت تحت تأثیر تغییرات اساسی در فضای ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک جهانی و نقش فزاینده عوامل سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در میان کشورها است و به طور حتم، دانش کنونی بشر بر نحوه تدوین و اجرای جنگ‌های آینده تأثیرگذار خواهد بود؛ بر این اساس، به ناچار تأثیر تحولات فناوری بر جنگ‌های آینده باید با روش‌های انقلابی و جدید مورد ارزیابی قرار گیرد؛ از این رو، پژوهش حاضر در پی تبیین دکترین نظامی جنگ‌های آینده به نگارش درآمده است.

روش: این پژوهش از لحاظ نوع، کاربردی بوده و با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است و به پیش‌بینی و تحلیل ساختارهای جایگزین آینده جهان و راه‌های مقابله با آنها در چارچوب یک دکترین نظامی می‌پردازد.

یافته‌ها: در تدوین دکترین جدید، می‌بایست از پیشرفت‌هایی که در فناوری اطلاعات، الکترونیک نظامی، قابلیت‌های نظارتی و هدایت دقیق اتفاق می‌افتد، به طور کامل بهره برد و این واقعیت نیز باید درک شود که سخت‌افزارهای نظامی امروزی مانند هواپیماها، کشتی‌ها و تانک‌ها تنها به جایگاهی برای حمل مهمات هدایت‌شونده دقیق، حسگرها و موشک‌ها نازل یافته‌اند.

نتیجه: طبق نتایج این پژوهش، کلید آینده یکپارچگی است و دکترین نظامی باید طیف وسیعی از نیروهای مختلف را دربرگیرد و در یک مجموعه مؤثر به هم پیوند دهد تا بتواند به‌عنوان یک نیروی ضربتی توانا مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی: دکترین نظامی، جنگ‌های آینده، فناوری اطلاعات.

۱. دانش‌آموخته دکتری جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

m.azizzadeh@modares.ac.ir

۲. استادیار گروه پژوهشی دکترین، دانشکده مدیریت و فرماندهی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران.

masood.alasti@yahoo.com

مقدمه

وجود یک ملت به‌عنوان یک موجود مستقل در دنیای امروزی، تا حد زیادی به توانایی مردم آن برای دفاع از تمامیت و منافع خود در برابر تهدیدات گوناگون احتمالی در حال و آینده بستگی دارد. دفاع در برابر این تهدیدات برای دستیابی به اهداف در دنیای مدرن از اهمیت بالایی برخوردار است. با وجود تمدن، نژاد بشر قادر به اجتناب از جنگ نیست و جنگ‌ها تا زمان وجود انسان‌ها باقی خواهند ماند؛ بنابراین، مطالعه راه‌های اجتناب، تعقیب در صورت تحمیل، تداوم و حمایت از جنگ‌ها از امور ضروری یک ملت مدرن است.

اجتناب از جنگ و راه‌های انجام آن در حوزه دیپلماسی، سیاست خارجی و روابط خارجی است که با نام دکترین سیاسی کشور از آن یاد می‌شود. چگونگی حمایت و تداوم جنگ در حوزه دکترین اقتصادی قرار می‌گیرد که هدف اصلی آن، توسعه اقتصاد و حمایت از رشد کشور است. باین‌حال، باید به سمت ایجاد قابلیت‌ها و منابع برای حفظ دکترین‌های نظامی و سیاسی کشور نیز حرکت نمود. دکترین نظامی به شیوه‌های اجرای جنگ می‌پردازد. توانایی جمع‌آوری، پردازش و انتشار اطلاعات برای تصمیم‌گیری برای ورود به جنگ و ادامه آن ضروری است که از آن به دکترین اطلاعات تعبیر می‌شود. جنگ‌های مدرن حاوی یک تهدید پنهان در استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی (WMD) هستند و باید به این نکته نیز توجه ویژه داشت که فضا نقش مهمی را در جنگ‌های آینده ایفا می‌کند؛ بنابراین، تدوین دقیق دکترین جنگ‌های آینده امری ضروری تلقی می‌گردد. در جدول شماره ۱ در خصوص انواع دکترین توضیح داده شده است.

جدول ۱. انواع دکترین (دامنه‌ها و اهداف‌ها)

دکترین	دامنه (ها)	هدف (ها)
۱ دکترین سیاسی	<ul style="list-style-type: none"> • روابط بین‌المللی - سیاست خارجی - دیپلماسی - سیاست 	<ul style="list-style-type: none"> • چگونه از جنگ اجتناب کنیم. • در صورت تحمیل، نحوه حمایت از جنگ چگونه است.
۲ دکترین نظامی	<ul style="list-style-type: none"> • ارتش: نیروی دریایی - نیروی هوایی - نیروی فضایی عملیات مشترک 	<ul style="list-style-type: none"> • چگونه بجنگیم.
۳ دکترین اقتصادی	<ul style="list-style-type: none"> • سیاست اقتصادی - سیاست 	<ul style="list-style-type: none"> • چگونه از جنگ حمایت و آن را ادامه دهیم.

دکترین	دامنه(ها)	هدف(ها)
اقتصادی	صنعتی	
۴ دکترین اطلاعات	• سازمان‌های اطلاعاتی - آژانس‌های تحلیلی	• نحوه جمع‌آوری، پردازش و انتشار اطلاعات برای تصمیم‌گیری به‌موقع چگونه است.
۵ دکترین سلاح‌های کشتار جمعی	• هسته ای، بیولوژیکی و شیمیایی • استفاده صلح‌آمیز هسته‌ای	• نحوه برخورد با سلاح‌های کشتار جمعی دشمن و استقرار سلاح‌های کشتار جمعی خودی.
۶ دکترین فضای	• طرح‌های فضایی: ماهواره‌های ارتباطی، شناسایی و جاسوسی - راه‌اندازی وسایل پرتابگر	• نحوه پشتیبانی از (۱) - (۵) با ارائه اطلاعات در زمان واقعی به تحلیلگران.

منبع: نویسندگان

نیروی‌های نظامی وظیفه دفاع از منابع، منافع و ارزش‌های حیاتی کشور را برعهده دارند و متناسب با میزان اثرگذاری آنها در ایجاد امنیت، می‌توانند در توان دفاعی کشور نقش‌آفرینی کنند. دفاع کارآمد و اثربخش و هدایت نیروها، مستلزم اقدامات، روش‌ها و فنون مقابله با تهدیدات است که در زمان جنگ و صلح با لحاظ نمودن اصولی اساسی با عنوان دکترین تدوین شده باشد. البته در شرایط پیچیده کنونی شناخت تهدیدات آینده موضوع بسیار مهمی است که به‌واسطه تداوم حیات هر یک از کنشگران، تأملی جدی را طلب می‌کند. برای هر کشوری، شناخت فضای آینده و برنامه‌ریزی برای بهره‌برداری حداکثری از فرصت‌های آن، امری بسیار مهم و بلکه حیاتی است و آشکار است که بی‌توجهی به تهدیدات راهبردی جنگ‌های آینده می‌تواند حذف بازیگر از سپهر سیاسی و تضعیف اساسی آن را به‌دنبال داشته باشد و همین امر، انجام پژوهش درخصوص وضعیت جنگ‌های آینده را پراهمیت می‌سازد.

این مسئله - یعنی پیش‌بینی و تحلیل ساختارهای جایگزین آینده جهان و راه‌های مقابله با آنها در چارچوب یک دکترین نظامی - همواره دغدغه اصلی و مستمر حکومت به‌خصوص فرماندهان نظامی بوده‌است؛ چراکه توجه به عوامل مؤثر، متغیرها، پیشران‌ها و عوامل کلیدی نقش مهمی را در بهره‌برداری از نتایج موفقیت‌آمیز جنگ‌ها برعهده دارند. دغدغه اصلی در شرایط متحول و پیچیده جهان کنونی این است که حکومت‌ها می‌بایست دکترین نظامی آینده خود را

قبل از وقوع جنگ و بحرانی شدن اوضاع، برآورد نموده و فرصتی ایجاد کنند تا به موقع و به دقت، موضع‌گیری خود را مشخص کرده و کشور را از پیامدهای نامناسب ضعف‌ها دور سازند.

در خصوص اهمیت نگارش تحقیق حاضر باید گفت که این پژوهش پیش‌نیاز تدوین دکترین‌ها، تهیه راهبردها، تدوین آیین‌نامه‌ها و دستورکارهای موردنیاز در حوزه جنگ‌های آینده محسوب می‌شود و می‌تواند تصمیم‌گیری‌ها را در سطوح مختلف راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی با اطمینان بیشتری همراه سازد.

از این رو، فراهم کردن بخشی از نیازهای نظری برای دستیابی به اهداف تعیین‌شده، اصول و چارچوب مناسب و سازگار با شرایط موجود با توجه به مفاهیم دکترینی جنگ‌های آینده از دغدغه‌های تحقیق حاضر است.

دکترین در نیروهای مسلح، میثاق مشترک، باورها، ارزش‌ها و معیارهای مشترکی را فراهم می‌کند و هدایتگر سیاست‌ها، راهبردها، برنامه‌ها و اقدامات اجرایی در جهت تحقق اهداف دفاعی-امنیتی است و به این ترتیب، کارآیی سازمان‌ها و هم‌افزایی میان آنان را افزایش می‌دهد. همچنین، نتایج این پژوهش می‌تواند بستر مناسبی را برای تجدیدنظر در ساختارها، آمادگی‌ها، تجهیزات، آموزش‌ها، طرح‌ها و برنامه‌ها و به‌طور کلی، جهت‌گیری‌های راهبردی در حوزه جنگ‌های آینده فراهم نماید.

بدیهی است عدم‌انجام این تحقیق و عدم‌دسترسی به مفاهیم دکترینی جنگ‌های آینده که به‌عنوان راهنمای فعالیت‌ها در این حوزه قلمداد می‌شوند، هزینه‌های مادی و معنوی بسیاری را بر سازمان‌های نیروهای مسلح تحمیل خواهد کرد؛ چراکه دکترین به‌مثابه اصول حاکم بر فعالیت‌ها و ریل‌گذاری جهت حرکت رو به رشد سازمان‌ها، با کارکرد ایجاد توازن بین توانمندی‌ها و اهداف است و بر این اساس، نادیده گرفتن مجموعه نتایج و کارکردهای مثبت و ارزش‌آفرینی علمی و عملی آن، موجب فقدان فرهنگ نظامی غالب و حاکم بر ساختار، سازمان، آموزش، الگوی تسلیحات و... در نیروهای مسلح می‌شود؛ تا جایی که ممکن است نیروها از اهداف تعیین‌شده در راستای وظایف ذاتی و مأموریت‌های ابلاغی خود دچار انحراف شوند. منحرف شوند. در مجموع، می‌توان

گفت که دکترین جنگ‌های آینده کمک می‌کند تا از حذف بازیگر از سپهر سیاسی و تضعیف اساسی آن جلوگیری شود.

بر این اساس، می‌توان گفت که هدف تحقیق حاضر، پیش‌بینی و تحلیل ساختارهای جایگزین آینده جهان و راه‌های مقابله با آنها در چارچوب یک دکترین نظامی است و در پی پاسخ به این سوال اساسی است که پیش‌بینی و تحلیل ساختارهای جایگزین آینده جهان و راه‌های مقابله با آنها در چارچوب یک دکترین نظامی چیست؟

این تحقیق از لحاظ نوع، بنیادی است و با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده‌است. روش مورد استفاده در این پژوهش، مبتنی بر رویکرد توصیفی-تحلیلی بوده و با توجه به ماهیت و نوع موضوع مورد مطالعه، گردآوری داده‌ها و اطلاعات از روش‌های کتابخانه‌ای و مشاهدات میدانی و مصاحبه صورت گرفته‌است. جامعه آماری این تحقیق، شامل صاحب‌نظران و خبرگان نظامی و غیرنظامی و استادان برجسته کشور در حوزه‌های روابط بین‌الملل، ژئوپلیتیک، دفاعی-امنیتی و اقتصاد سیاسی است که دارای مدارک علمی دکتری و کارشناسی ارشد بوده و حداقل دو مقاله تخصصی مرتبط با موضوع پژوهش را به نگارش درآورده‌اند.

پیشینه

محمد دانش‌آشتیانی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان "اصول و روش تدوین دکترین نظامی" به بررسی اصول و روش تدوین دکترین نظامی پرداخته و نتیجه گرفته است که دکترین به لحاظ ماهیتی از جنس اندیشه و تفکر است و در تفکر و جهان‌بینی و قالب‌های ذهنی افراد ریشه دارد و معمولاً به صورت نظریه اعلان می‌شود. به عقیده وی، دکترین را می‌توان به دو نوع فردی و سازمانی تقسیم‌بندی کرد. افراد اعم از رهبران، فرماندهان نظامی، مدیران یا کارکنان سازمان‌ها در هر سطحی معمولاً برای تصمیم‌گیری، اجرای مأموریت و انجام امور، دارای دکترین خاص خود می‌باشند. در این تحقیق، دکترین نظامی یا دکترین سازمانی و رسمی نیروهای مسلح به سه نوع نیرویی، مشترک و مرکب تقسیم می‌شود و دارای سه سطح راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی است.

محمدحسین قنبری چهارمی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان "طراحی دکترین بازدارندگی همه‌جانبه ج.ا.ایران در چشم‌انداز بیست‌ساله کشور" به بررسی دکترین بازدارندگی در افق بیست‌پرده‌ای است و هدف اصلی تحقیق وی، طراحی دکترین بازدارندگی همه‌جانبه ج.ا.ایران و تشخیص چگونگی جلوگیری از وقوع جنگ است. طبق این تحقیق، قدرت بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر بهره‌برداری حداکثری از رهبری هوشمندانه، دکترین و راهبردهای مناسب، مزیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیک ایران، حفظ و نگهداری نیروهای مسلح قدرتمند، نفوذ منطقه‌ای در فضای حیاتی دشمنان، عزم و اراده ملی و توان بسیج عمومی مردم، بهره‌گیری از قدرت نرم و تکیه بر افکار عمومی ملل مسلمین و انقلابی در تمامی جهان، در اختیار گرفتن سلاح‌های متعارف مدرن به‌خصوص سلاح موشکی بالستیک و بهره‌گیری از توان جنگ الکترونیک و سایبری و... است. همچنین، سازمان‌دهی یک نیروی نظامی قوی در قالب نیروی واکنش سریع دفاعی که بتواند در مقابل تهدیدات جنگ مدرن در کوتاه‌مدت واکنش مناسب نشان دهد و با استقرار در مناطق حساس و حیاتی کشور، قسمتی از نیازها و قدرت بازدارندگی را شکل دهد، از ضروریات شمرده می‌شود.

مرادپیری و خضرای (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان "نقش فناوری‌های نوین اطلاعاتی در جنگ‌های آینده" به بررسی مراحل فعالیت‌های نظامی و اطلاعاتی، در عرصه‌های مختلف محیط جنگ آینده، در زمین، هوا، فضا، دریا و فضای سایبری، در بستر نگرش اطلاعاتی و باور به ضرورت رعایت اصول و تمهیدات امنیتی پرداخته‌اند. هدف این پژوهش، تبیین نقش فناوری‌های نوین اطلاعاتی در جنگ‌های آینده و کارکردهای آنها می‌باشد و نشان می‌دهد که فناوری‌های نوین به‌صورت یک سلاح جدید، یک منبع انرژی جدید یا یک وسیله ارتباطی جدید، با اصلاح دکترین، سازمان و استراتژی نظامی، جنگ‌های آینده را دچار تحولات جدی خواهند ساخت.

آقابالازاده و شریفان (۱۳۹۷) در کتابی با عنوان "رهبری عملیات در جنگ‌های آینده: دکترین فرماندهی مأموریت‌محور" نیز رویکردی نوین را در مواجهه با تهدیدات پسامدرن به بحث گذاشته‌اند.

مبانی نظری

مفاهیم و واژگان کلیدی

دکترین: در فرهنگ دفاعی-امنیتی، دکترین به معنی نظریه، اصول یا قواعد بنیادین معتبری است که هدایت‌کننده اقدام در پشتیبانی از سیاست‌ها و برنامه‌ها در جهت تأمین اهداف بوده و به کاربردن آنها مستلزم درک مقتضیات و تصمیم‌گیری صحیح و منطقی می‌باشد. دکترین به دو سطح عمده ملی و نظامی تفکیک می‌شود که سطح نظامی، به سطوح استراتژیکی، عملیاتی و تاکتیکی قابل تقسیم است (نوروزی، ۱۳۸۵: ۳۵۱).

دکترین دفاعی: دکترین دفاعی، مرجع و مأخذ دکترین‌های نظامی است و شاکله آن، نمایش قدرت ملی و نظامی، ایجاد توان پاسخ‌دهی به تهدیدات و آمادگی تداوم نبرد در گستره جغرافیایی کشور هستند. در این سطح از دکترین، نیروهای مسلح به عنوان محور قرار گرفته و سایر دستگاه‌های کشوری یا مؤلفه‌های قدرت ملی هم به نوعی در آن دخیل و تأثیرگذار بوده و از آن حمایت می‌کنند و ظرفیت‌های موردنیاز خود را برای تقویت بنیه دفاعی در اختیار نیروهای مسلح قرار می‌دهند (دانش آشتیانی، ۱۳۸۳: ۴۲).

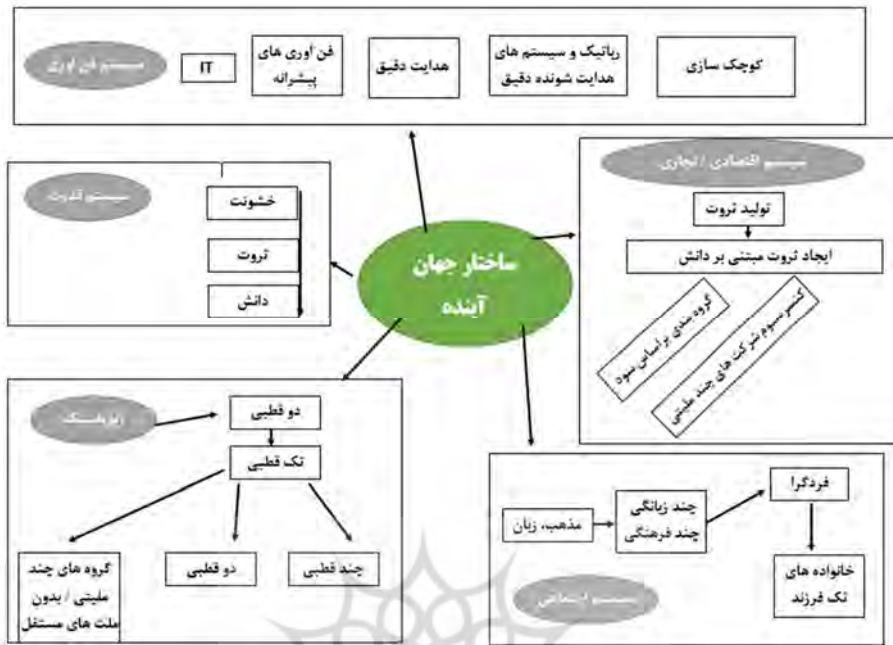
دکترین نظامی: دکترین نظامی عبارت است از اصول اساسی و خط‌مشی کلی که نیروهای نظامی اقدامات خود را در پشتیبانی از اهداف ملی بر مبنای آن هدایت می‌کنند. دکترین نظامی یعنی در زمان صلح هر کشوری بداند که در مواقع بروز حوادث نظامی و جنگی چه وظیفه‌ای برعهده داشته و طرح آن چیست (قنبری جهرمی، ۱۳۹۶: ۷).

سطوح دکترین: دکترین در بخش نظامی به سه سطح تقسیم می‌گردد: راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی (قنبری جهرمی، ۱۳۸۶: ۴).

جنگ آینده: جنگ آینده جنگی شناخت‌محور و فن‌آور پایه است که از طریق هم‌افزایی قابلیت‌های دفاعی-امنیتی و اشراف اطلاعاتی در صحنه‌های سیال جغرافیایی و شبکه‌ای به صورت ناهم‌تراز و ائتلافی انجام می‌گردد. این جنگ نوعی عملیات تأثیرمحور و غافلگیرکننده است که با مداخله مستقیم و غیرمستقیم قدرت‌های بزرگ و استفاده حداقلی از نیروی زمینی با به‌کارگیری گروه‌های فراملی و فروملی به منظور شکست راهبردی دشمن و نابودی زیرساخت‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و زیست‌محیطی اجرا می‌شود (باقری، ۱۳۹۳: ۳۰).

جهان پس از ۲۰۲۲

روشن است که آینده قابل درک نیست اما به گفته آلوین تافلر^۱، بهتر است که یک نقشه کلی و ناقص (از آینده) برای اصلاح داشته باشیم تا اینکه هیچ نقشه‌ای نداشته باشیم (تافلر، ۱۳۷۷، ۶۳)؛ چراکه تازمانی که این تمرین انجام نشود، راه‌های مقابله با تهدیدات نامشخص و ناشناخته آتی قابل طرح یا برنامه‌ریزی نخواهد بود. در واقع، سرعت تغییر در این جهان به قدری گیج‌کننده است که هر تلاشی برای پیش‌بینی ساختار جهان آینده باید با کمی تعلل انجام شود. با این حال، می‌توان با تخیل و تحلیل موقعیت‌های فعلی، روندهای کلی را رمزگشایی کرد. بر این اساس، شناسایی شاخص‌های اساسی که باید برای پیش‌بینی ساختارهای جهان آینده مورد مطالعه قرار گیرند، یک پیش‌نیاز اساسی است. ساختارهای اساسی که جهان آینده را شکل خواهند داد، سامانه‌های قدرت، فناوری، ژئوپلیتیک، اجتماعی و تجاری/اقتصادی هستند که در شکل شماره ۱ به آنها پرداخته شده است. هرچند باید تأکید کرد که اینها نظام‌های مستقل محسوب نمی‌شوند بلکه روش‌هایی برای نگرستن به روندهای جهانی به شمار می‌آیند. پیوندهای متقابلی بین این سامانه‌ها وجود دارد که بر هر یک از آنها در ابعاد مختلف تأثیر می‌گذارد.



شکل ۱. ساختار جهان آینده

(منبع: نویسندگان)

سیستم قدرت

یک نکته بسیار مهم در خصوص جهان آن است که جهان به هیچ وجه جبرگرا نیست؛ همان طور که علم در طول چند قرن اخیر به این امر معترف شده است. ترتیب، پیش بینی و برآورد روابط علت و معلولی بین رویدادها و شرایط مختلف در این جهان امکان پذیر نیست؛ با این حال، جهان کاملاً تصادفی نیست و اغلب اوقات، پیش بینی بر اساس رویدادهای گذشته امکان پذیر است. این واقعیت که جهان نه کاملاً تصادفی و نه کاملاً قطعی است، امکان استفاده از قدرت را برای تغییر وقایع رخ داده در جهان ایجاد می کند. این توانایی در تغییر وقایع، انگیزه لازم را به افراد، ملت ها و گروهی از ملت ها می دهد تا به دنبال قدرت بیشتری باشند؛ بنابراین، قدرت هر دو - آشوب و نظم - را با هم ترکیب می کند و یک جامعه باید تلاش کند تا به ترکیبی عاقلانه از این دو پدیده متنوع دست یابد. فرد یا ملتی که این دو متضاد را کنترل می کند تا منافع خود

را به حداکثر برساند، نسبت به کسی که به سمت هر یک از این قطب‌های متمایز متمایل شده‌است، از قدرت بیشتری برخوردار خواهد بود. براین اساس، مهم‌ترین، مطمئن‌ترین و منعطف‌ترین راه کسب قدرت از طریق دانش است. خشونت و ثروت به‌عنوان ابزار اعمال کنترل، پیش از این، محدودیت‌های خود را ثابت کرده‌اند. کنترل خشونت و ثروت با دانش کافی امکان‌پذیر است و مهم‌ترین عاملی که در حال حاضر مشخصه سامانه‌های قدرت جهان است، توانایی کسب، پردازش و به‌کارگیری دانش است و این تغییر در سیستم قدرت جهان از خشونت و ثروت به دانش را می‌توان به‌راحتی در بسیاری از جنبه‌های زندگی مشاهده کرد (تافلر، ۲۰۲۲: ۷۹). این روند در جنگ نیز قابل مشاهده است که طبیعتاً یک فعالیت خشونت‌آمیز است و به استفاده از خشونت به‌عنوان ابزاری برای اعمال قدرت مربوط می‌شود؛ با این حال، در این فعالیت عمدتاً خشونت‌آمیز، دانش درباره دشمن به یک عامل تقریباً تعیین‌کننده تبدیل شده‌است؛ بنابراین، سیستم قدرت فعلی و آینده بیش از آنکه همچون گذشته، بر ثروت و خشونت متکی باشد، مبتنی بر دانش است.

سامانه‌های فناورانه

تغییر در سیستم‌های قدرت از ثروت و خشونت به یک سیستم قدرت مبتنی بر دانش به‌دلیل تغییرات انقلابی در فناوری اطلاعات رخ داده‌است. جهان با سرعتی سریع در حال حرکت است و سرعت در تمام تلاش‌های فعالیت‌های انسانی تبدیل به کلمه‌ای پرطرفدار شده‌است و این امر نیاز به جریان سریع اطلاعات را ایجاد می‌کند. نه تنها سرعت، بلکه در دسترس بودن اطلاعات در هر زمان برای مردم مورد نیاز است. توانایی داشتن اطلاعات در همه جنبه‌های زندگی تفاوت عمده‌ای در دستیابی به موفقیت در دنیای امروز پر از رقابت ایجاد می‌کند و این امر در حال حاضر، به‌دلیل پیشرفت‌های بزرگ در فناوری اطلاعات امکان‌پذیر است. "موج سوم" که بلوک‌های اصلی آن اطلاعات و دانش است، اکنون فناوری اطلاعات را در دو جهت اصلی هدایت کرده‌است: ۱. افزایش مداوم توانایی ماشین‌ها؛ یعنی کامپیوترهای قدرتمند از نظر پردازش، حافظه، نمایشگر و ذخیره‌سازی دیسک و ۲. توانایی برقراری ارتباط بر روی پرتوهای

الکترونی یا نوری؛ یعنی ارتباطات رایانه‌ای (فضای مجازی) است که به نیاز اساسی جامعه ما تبدیل شده است (هال^۱، ۲۰۱۳).

بزرگراه‌های اطلاعاتی قابلیت قابل توجهی برای به دست آوردن اطلاعات در زمان واقعی ایجاد کرده‌اند و این قابلیت روز به روز در حال افزایش است. آینده شبکه‌های رایانه‌ای در یک شبکه "هوشمند" نهفته است که از آنچه انجام می‌دهد، "آگاه" است؛ شبکه‌ای که می‌داند چه چیزی ارسال و دریافت می‌کند و به طور مداوم بر عملکرد خود نظارت می‌کند، خارج از محدوده فناوری امروزی نیست و آینده احتمالی است. توانایی شبکه‌های رایانه‌ای برای ارسال، مسیریابی، مسدود کردن، صف بندی و ارسال انتخابی، ارائه خدمات، قابل اعتماد است و کیفیت خوب (QoS) آن منجر به افزایش وابستگی به این سیستم‌ها می‌شود. هنگامی که این شبکه‌ها با پیشرفت‌های ایجاد شده در امنیت و کدگذاری پیام‌ها ترکیب می‌شوند، کاربرد نظامی آنها چندین برابر افزایش می‌یابد.

ارتباطات سلولی، شبکه محلی بی‌سیم (LAN) و سرویس‌های ماهواره‌ای، اتصال کامل به یک شبکه رایانه‌ای را برای کاربران متحرک فعال کرده‌اند. علاوه بر این، کاربران آینده تلفن همراه می‌توانند اطلاعات چند رسانه‌ای دیجیتالی را از طریق پیوندهای فرکانس رادیویی از یک شبکه ثابت دریافت کنند. همان‌طور که به راحتی قابل مشاهده است، کاربرد نظامی این سیستم محاسباتی سیار (MCS) بسیار زیاد است.

فناوری دیگری که بر جهان تأثیر می‌گذارد، هدایت‌های دقیق و روباتیک است. این فناوری دقت فزاینده‌ای در کنترل حرکت و سرعت اجسام فیزیکی را می‌دهد. این اشیاء ممکن است موشک، بمب، هواپیما، کشتی یا زیردریایی باشند. دقت فزاینده، دقت نقطه‌ای را برای اجسام فیزیکی در رسیدن به یک نقطه خاص فراهم می‌کند. مسئله اساسی در دستیابی به پیشرفت‌های بزرگ در IT و هدایت دقیق، افزایش سطوح کوچک‌سازی است. این فناوری‌ها با هم

ترکیب می‌شوند تا قابلیت عظیمی در نظارت و جمع‌آوری اطلاعات به ارمغان بیاورند.

یکی دیگر از زمینه‌هایی که پیشرفت‌های زیادی در عملکرد دارد، فناوری نیروی محرکه است. سیستم‌های رانش در حال ایجاد قابلیت‌های حمل‌ونقل سریع در هوا، روی زمین، دریا و زیر دریا هستند که در بردارنده پیامدهای عمده‌ای برای نیروهای نظامی در رابطه با حمل‌ونقل انبوه افراد و مواد در زمانی کوتاه هستند.

سامانه ژئوپلیتیک

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، ثبات دوقطبی سال‌های جنگ سرد از بین رفته است. جهان تک‌قطبی برای کمتر از یک دهه به وجود آمد و در حال تغییر به سمت یک جهان چندقطبی است. آنچه اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده به‌عنوان دو ابرقدرت متوازن به دست آوردند، جهانی با ثبات بود که در آن ممکن بود تعداد درگیری‌ها زیاد باشد اما جنگ‌های در مقیاس بزرگ، در آن کمتر بود. با این حال، الحاق کویت به عراق در سال ۱۹۹۰ خطرات احتمالی دنیایی را نشان داد که نیروهای متعادل‌کننده ابرقدرت‌ها در آن از بین رفته‌اند. ایالات متحده کنترل وضعیت ژئواستراتژیک را برعهده گرفت. آزادی کویت از عراق به نفع آمریکا بود. جنگ خلیج فارس ۱۹۹۱ نقطه عطفی در تاریخ جنگ‌ها بود که دکترین جنگ فرسایشی قرن‌های گذشته را با دکترین نظامی جدید دستیابی به حملات سریع علیه دشمن با سلاح‌ها، حسگرها و موشک‌های با فناوری پیشرفته ترکیب کرد. در حقیقت، جنگ خلیج فارس توانایی همه‌جانبه ایالات متحده را به اثبات رساند و معاملات تجاری بسیاری را برای صنعت تسلیحات ایالات متحده به دست آورد. با این حال، به دیگر قدرت‌های جهانی نشان داد که ساختارها و سازمان‌های نظامی آنها بر اساس دکترین‌های قدیمی نمی‌توانند با جنگ فناوری جدید رقابت کنند و این امر منجر به افزایش دستیابی به تسلیحات با فناوری پیشرفته توسط سایر مراکز قدرت در جهان شد.

بسیاری از کارشناسان معتقدند که جهان به سمت دنیای چندقطبی در حال حرکت است. همکاری احتمالی چین و روسیه به‌عنوان جبهه‌ای علیه آمریکا منجر به تقویت چین خواهد شد و احتمالاً تا ۲۰ سال آینده، چین به‌عنوان یک مرکز قدرت برای به‌چالش کشیدن ایالات‌متحده - قطبی در جهان پنج قطبی متشکل از ایالات متحده، جامعه اروپایی، ژاپن، چین و روسیه - در نظر گرفته خواهد شد. ممکن است بازیکنان با این پنج بازیکن متفاوت باشند؛ به‌عنوان مثال، ممکن است روسیه به‌دلیل شکست سامانه‌های اقتصادی و اجتماعی خود، بسیار از سایرین عقب بماند و در صورت بهره‌برداری کامل از توانایی‌های اقتصادی، فناوری و اجتماعی مردم هند، ممکن است هند به‌عنوان یک قطب قدرت قوی ظاهر شود. همچنین، ژاپن ممکن است به‌جای اینکه صرفاً به توانمندی‌های اقتصادی خود وابسته باشد، راه قدرت نظامی را در پیش بگیرد.

روشن است که دنیای کشورهای بزرگ یکپارچه به پایان رسیده‌است و هر ملتی برای حفظ و رشد به کشورهای دیگر نیاز دارد (دنیای شبکه‌ای) و کشورها تنها از طریق رشد متقابل مبتنی بر روابط هم‌زیستی می‌توانند توسعه یابند. جهان در حال رهایی از شکاف‌های مرزهای ملی است. در گروه‌بندی‌های منطقه‌ای بر اساس موقعیت‌های جغرافیایی، الزامات اقتصادی یا تعهدات اجتماعی است که کشورها شروع به یافتن مزایای بیشتری می‌کنند. قطب‌ها یا مراکز قدرت آینده جهان ممکن است گروهی از ملت‌ها باشند که به‌عنوان کنفدراسیون‌های اقتصادی، نظامی یا جغرافیایی در برابر گروه‌های دیگر از این قبیل یا کشورهای قدرتمند بزرگ منفرد مانند ایالات‌متحده یا چین سازماندهی شده‌اند.

مسائل اساسی که روابط بین بسیاری از قطب‌های جهان چندقطبی را شکل می‌دهد، رقابت برای ذخایر نفت، همکاری یا رقابت در تعداد فزاینده درگیری‌های جهان سوم، ترس‌های ناشی از افزایش قدرت چین و همکاری احتمالی آن با روسیه است و اتحاد گاه و بیگاه غرب (آمریکا و اروپا) در مواجهه

با تهدیدهای مختلف درک‌شده (مارکیز^۱، ۲۰۱۱: ۵۶) است. تجزیه امپراتوری‌های قدرتمند به واحدهای کوچک‌تر قابل مدیریت در سامانه‌های اجتماعی در حال تکامل جهان نیز قابل مشاهده است.

سامانه اجتماعی

در جهان غرب، خانواده‌های انفرادی جایگزین خانواده‌های بزرگ شده‌اند؛ خانواده‌هایی که در ابتدا به یکدیگر متصل بودند اما اکنون خود را به واحدهای کوچک‌تر تقسیم شده‌اند. در واقع، جهان در حال تغییر به سمت واحدهای فردی است. اهمیتی که هر فردی برای خود جستجو می‌کند، آنقدر زیاد است که فرد احساس می‌کند مجبور به ترک سیستم مشترک خانواده است. این نیاز لزوماً جستجوی هویت برای فرد نیست بلکه حاکی از اهمیت استقلال اقتصادی است.

روند قابل مشاهده دیگر، ظهور طبقه متوسط به‌عنوان تأثیری قدرتمند بر ساختارهای اقتصادی، سیاسی و نظامی کشورها است. این امر منجر به بازارهای روبه‌رشدی برای شرکت‌های چندملیتی شده است که علاقه‌مند هستند تا کشورها را به مصرف‌گرایی که در سراسر جهان فراگیر شده است، گره بزنند. به دلیل نیازهای اقتصادی، این چندملیتی‌ها ممکن است سعی کنند بر موقعیت‌ها و ساختارهای ژئوپلیتیکی جهان تأثیر بگذارند. یک قطب یا مرکز بسیار مهم و قدرتمند جهان چندقطبی ۲۰۲۲ پس از میلاد ممکن است کنسرسیومی از شرکت‌های چندملیتی باشد که محصولات آن تقریباً کل جهان را در برمی‌گیرد و منافع آنها در حفظ وضعیت خاص در یک محیط خاص است.

سامانه اقتصادی

سامانه اقتصادی جدید جهان مبتنی بر رسانه‌ها، ارتباطات و رایانه‌ها یعنی نرم‌افزار و خدمات است. این در تضاد کامل با سیستم قدیمی مبتنی بر سخت‌افزار است. شرکت‌های امروزی در تلاش هستند تا با انقلاب فناوری اطلاعات، بازسازی بازارها و تأثیر قدرتمند بازاریابی بر بازده کسب‌وکار کنار بیایند. اقتصاد جدید که با آزادسازی مالی، تغییرپذیری مالی و جابه‌جایی

مشخص می‌شود، کاملاً به در دسترس بودن اطلاعات دقیق و به‌موقع وابسته است. دانش به سلاح کلیدی در مبارزات قدرت تبدیل شده‌است که ساختار اقتصادی جدید جهان را همراهی می‌کند.

با از بین رفتن کمونیسیم در روسیه و باز شدن اقتصادهای چین و هند که بازارهای مصرفی بزرگی را فراهم می‌کند، دنیای تجارت دوره‌ای از گسترش بزرگ را سپری می‌کند. چندملیتی‌هایی که توانستند با فرهنگ‌ها و مشکلات متنوع کنار آمده و در مسیر پیشرفت گام بردارند اما سایرین باید استراتژی‌های خود را تغییر دهند تا در محدودیت‌های مرتبط با این بازارها فعالیت کنند.

هیچ شرکتی به‌تنهایی قادر به مقابله با مشکلات مختلف نیست اما این امر، خود، کمک می‌کند که شرکت‌های بزرگ به کنسرسیومی از شرکت‌ها برای منافع اقتصادی و تجاری متقابل بپیوندند. اگر مدیران ارشد اجرایی متوجه شوند که درگیری با شرکت‌های همتای آنها منجر به نابودی متقابل می‌شود، ممکن است این سناریو در دو دهه آینده ظاهر شود. این روند مشابه صحبت‌های تسلیحاتی ابرقدرت در دوره جنگ سرد است که در آن، درک پیامدهای وحشتناک یک جنگ هسته‌ای سهوی منجر به همکاری در مذاکرات بین دو ابرقدرت شد.

روش‌شناسی

این پژوهش از لحاظ نوع، بنیادی بوده و با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده‌است و به پیش‌بینی و تحلیل ساختارهای جایگزین آینده جهان و راه‌های مقابله با آنها در چارچوب یک دکترین نظامی می‌پردازد.

یافته‌ها

آینده جنگ

با توجه به روندهای بازسازی جهان، می‌توان دریافت که عامل اساسی تغییر شکل دادن به جهان آینده، دانش است. در جنگ امروزی، دانش منبع اصلی تخریب است (تافلر، ۱۳۷۷، ۹۰). آینده موازنه نیروها در موارد نامشهود مانند توانایی در دست گرفتن ابتکار عمل، تقویت اطلاعات و ارتباطات، آموزش بهتر،

انگیزه قوی، رهبری و... نهفته است. با این عوامل به سختی می‌توان کمیت را در شبکه کلی جنگ برآورد کرد. این در تضاد کامل با در دسترس بودن الگوهای ریاضی است که اعداد و اثربخشی سلاح را تنها معیار توانایی نظامی می‌دانستند. روند دیگر، توده‌زدایی از تخریب است؛ به این معنی که به جای استفاده از روش قبلی حملات انبوه به مناطق وسیع، از فناوری‌های پیشرفته برای دستیابی به حملات روی نقطه‌ای به اهداف با ارزش بالا استفاده می‌شود، با این امید که هدف ناکارآمد شود؛ امری که این روزها با ظهور سلاح‌های هوشمند امکان‌پذیر است.

مطالبات مربوط به تصمیم‌گیری بشر در این سناریوی در حال تغییر بر اساس سلاح‌های فناوری، برخلاف باور عمومی، افزایش خواهد یافت. دقت بالا و سطوح بالای قابلیت‌های مخرب مستلزم راه‌اندازی و عملیات تقریباً بدون خطای سیستم‌های جدید است. در جنگ‌های آینده، شانس دومی برای هیچ‌کس وجود نخواهد داشت. سرباز آینده باید به‌خوبی آموزش دیده، تحصیل کرده و بسیار سریع باشد. سرعت تسلیحات مدرن باید با تصمیم‌گیری سریع و مؤثر در جنگ‌های آینده مطابقت داشته باشد. سرباز آینده یک فرد چند مهارتی، باهوش و بسیار آموزش دیده است که دانش خوبی از تاکتیک‌ها و حتی استراتژی نظامی دارد؛ زیرا جنگ‌های آینده بسیار بیشتر از کشیدن یک ماشه خواهد بود. در آینده، شلیک مستقیم کمتر خواهد بود، اما هر شلیکی به‌طور قابل توجهی مؤثر خواهد بود و این اثربخشی، به افراد درگیر در سامانه‌های فرماندهی، کنترل، ارتباطات، رایانه، اطلاعات، نظارت و شناسایی، برنامه‌ریزان و مجریان تدارکات یکپارچه و مربیان نظامی بستگی دارد.

یکی دیگر از خواسته‌های سربازان آینده، توانایی قابل توجه برای نوآوری است. استفاده از سیستم‌ها برای کارهایی غیر از آنچه که قرار بود، انجام دهند، به هوش ذاتی و تصمیم‌گیری سریع وابسته است و این امر، کلید جنگ‌های آینده است. مقیاس جنگ‌های آینده از نظر نیروی انسانی کمتر خواهد بود؛ به این معنی که یک تیپ ارتش پس از ۲۰۲۲ قادر خواهد بود آنچه را که امروز

یک لشکر از نظر عملیات مستقل در حمله و دفاع به دست می‌آورد، انجام دهد. در آینده، نیروهای مسلح نیازمند یک سازماندهی مجدد است؛

کنترل سخت و از بالا به پایین باید در سازمان‌های آینده کاهش یابد. با وجود قابلیت‌های قابل توجه فرماندهی، کنترل، ارتباطات و اطلاعات در آینده، فرماندهی عملیات باید برعهده فرمانده در میدان نبرد باشد و مرجع تصمیم‌گیری باید به پایین‌ترین سطح ممکن کاهش یابد. ادغام سامانه‌های پیچیده به‌عنوان یک کل مؤثر، کلید جنگ‌های آینده است. ساختارهای قدیمی عملیات مستقل لجستیک، حفظ استحکامات، حملات متحرک، نیروی هوایی و نیروی دریایی، جمع‌آوری اطلاعات، سیستم‌های فرمان و کنترل و سیگنال‌ها باید از طریق مجموعه‌ای از ابداعات و ورودی‌های فکری از طریق متخصص فنی و تحلیلگران نظامی و فرماندهان نظامی با هم ترکیب شوند (هدکورتز^۱، ۲۰۲۰).

اگر اطلاعات جمع‌آوری شده از منابع مختلف تجزیه و تحلیل نشود و به تصمیماتی برای به‌کارگیری مؤثر عملیاتی قدرت آتش تبدیل نشود، تمامی سیستم‌ها و فناوری‌ها بی‌اثر خواهند بود. این انفجار اطلاعاتی باید از طریق تجزیه و تحلیل دقیق در حدود زمان دو برابر، به انفجار دانش تبدیل شود. جنگ‌های جدید توسط ماشین‌های مبتنی بر دکترین‌های نظامی قدیمی انجام نمی‌شود بلکه توسط سامانه‌هایی که می‌توانند جنگ‌ها را در زمان واقعی به پیروزی برسانند، انجام خواهند شد (نومی‌ار^۲، ۲۰۱۰).

تغییرات عمده در میدان‌های نبرد آینده

تفاوت عمده در جنگ‌های آینده با جنگ‌های امروزی، افزایش سرعت، افزایش پیچیدگی و افزایش مرگباری خواهد بود. پیامدهای ناشی از این تغییرات کلیدی این است که فرماندهان زمان کمتری را برای تصمیم‌گیری خواهند داشت و ممکن است مجبور باشند با ابهامات بیشتری دست‌وپنجه نرم کنند و باید عواقب فزاینده تصمیمات خود را در نظر بگیرند. سامانه‌ها و

1. Headquarters
2. Newmyer

فناوری‌های نبردهای آینده برای ارائه اطلاعاتی طراحی شده‌اند که ابهام را کاهش داده و تصمیم‌گیری را بهبود می‌بخشند. سیستم‌های آینده باید بر روی دسترسی به موقع، دقیق، اطلاعات مرتبط و افزایش احتمال تصمیم‌گیری درست تمرکز کنند (دولهان^۱، ۲۰۱۸).

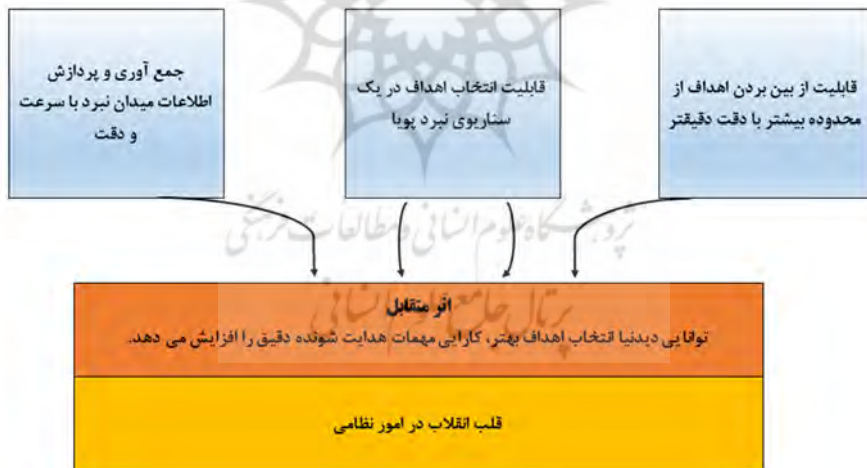
قابلیت‌های مهمی که به‌طور قابل‌توجهی بر جنگ‌های آتی ارتش‌های آینده تأثیر می‌گذارد، همان چیزی است که کارشناسان از آن به انقلاب در امور نظامی^۲ (RMA) یاد می‌کنند. انقلاب در امور نظامی به یک جهش کوانتومی در اثربخشی میدان نبرد اشاره دارد و نتایج حاصل از هم‌افزایی به‌دست‌آمده هنگامی است که پیشرفت‌های فناورانه بر سامانه‌های تسلیحاتی متعدد با تغییرات اساسی در دکترین نظامی و ساختار نیرو ترکیب می‌شوند. قابلیت‌های کلیدی انقلاب در امور نظامی که مربوط به کشورهای آسیایی است، به‌عنوان یکپارچه‌سازی سیستم، دکترین نیروی مشترک و لجستیک و نگهداری یکپارچه فهرست‌بندی شده‌اند که باید جنگ فضایی و الکترونیک^۳ (SEW) و مهمات هدایت‌شونده دقیق^۴ (PGM) را نیز به آن اضافه کرد (مارتیانوف^۵، ۲۰۱۹).

انقلاب در امور نظامی بر تانک، کشتی‌ها و هواپیماها متمرکز نیست، بلکه بر روی پلتفرم‌هایی که حمل می‌کنند و فناوری اطلاعاتی که آنها را قادر می‌سازد تا به‌طور مؤثر با هم کار کنند، متمرکز است. فناوری به فرماندهان کمک می‌کند تا آنچه را که در یک منطقه جغرافیایی بزرگ اتفاق می‌افتد، درک کنند و آن اطلاعات را به نیروهایی که باید با سرعت، صحت، دقت و اثربخشی مرگبار در بردهای بیشتر پاسخ دهند، منتقل کنند. در شکل شماره ۲ این فعل و انفعالات نشان داده شده‌است. این ادغام سیستم‌های متنوع به‌عنوان سیستم سیستم‌ها کلید انقلاب در امور نظامی و سناریوی نظامی آینده است. اجزای اصلی انقلاب در امور نظامی عبارت‌اند از جمع‌آوری اطلاعات، نظارت و شناسایی، سیستم و

1. Dolhan
2. Revolution in Military Affairs
3. Space & Electronic Warfare
4. Precision Guided Munitions
5. Martyanov

فناوری، ادغام سیستم‌های اطلاعاتی پیچیده و توسعه دکترین‌های مشترک برای استفاده از این ظرفیت فناورانه (گرگ و ریگی^۱، ۲۰۱۸).

در منطقه عملیات‌های مشترک است که جنگ‌های آینده یک حرکت رادیکال از جنگ‌های سنتی قدیمی را به تصویر می‌کشند. روند عملیات مشترک که با دکترین نبرد زمینی آغاز می‌شود، در دو دهه آینده بیشتر بهبود یافته و اجرا خواهد شد. مزایای عملیات مشترک از این واقعیت قابل تشخیص است که اثربخشی بهتر با منابع کمتر حاصل می‌شود؛ با این حال، این منابع باید در چارچوب فکری یک دکترین نظامی مشترک آموزش دیده و یکپارچه شوند. این دکترین نیروی مشترک^۲ شامل تمام ابعاد (هوا، زمین، زیر آب دریا، فضا و زمان) کلید آینده جنگ خواهد بود. فرماندهان آینده باید برای دستیابی به بهترین تناسب نیروهای موجود آموزش ببینند تا اثرات فوری و دستیابی به نتایج مطلوب آشکار گردد. یک پیش‌نیاز اصلی در این سیستم‌ها که در عملیات مشترک عمل می‌کنند، نیاز به ارائه تدارکات به‌موقع برای پشتیبانی با سرعت بالاتر در نبردها است (گرگ و ریگی، ۲۰۱۸).



شکل ۲. قلب انقلاب در امور نظامی – سیستم سیستم‌ها
(منبع: نویسندگان)

1. Krieg & Rickli
2. Joint Force Doctrine (JFD)

مفهوم لجستیک یکپارچه، اصلی‌ترین و حیاتی‌ترین عاملی است که بر آینده جنگ تسلط خواهد داشت. یک کشور ممکن است در دستیابی به لجستیک متمرکز به دلیل نبود زیرساخت برای دستیابی به آنها دچار مشکلاتی شود. ساخت جاده‌ها، راه‌آهن‌ها و خطوط هوایی لازم برای تأمین و پشتیبانی نیروها در شرایط بحرانی، گامی است که باید از دکترین اقتصادی نشأت بگیرد.

ویژگی‌های کلیدی در دکترین نظامی جدید

پس از تجزیه و تحلیل ساختار آینده جهان و ساختار جنگ، می‌توان ویژگی‌های کلیدی دکترین نظامی جدید را شناسایی کرد. دکترین نظامی جدید^۱ باید دارای ویژگی‌های زیر باشد:

۱. دکترین نظامی جدید باید تهدیدات پیش‌بینی نشده را برطرف کند. در نظم نوین جهانی، هیچ کشوری دوست یا دشمن دائمی ندارد و این فقط منافع کشور است که ماهیت دائمی دارد؛ بنابراین، یک ملت باید برای مقابله با تهدیدهای پیش‌بینی نشده از محله‌های ناشناخته آماده باشد (مک‌کیب^۲، ۱۹۹۷).
۲. اطلاعات و دانش باید بلوک اصلی دکترین نظامی جدید باشد. نیروها، واحدها و سازمان‌های نظامی باید طوری آموزش داده شوند که اطلاعات و دانش را به‌عنوان ابزار اصلی جنگ در نظر بگیرند و این امور باید به فرآیندها و تجهیزاتی برای جمع‌آوری، پردازش و انتشار سریع اطلاعات و دانش مجهز شوند.
۳. دکترین نظامی جدید باید به اندازه کافی انعطاف‌پذیر باشد تا بتواند از تهدیدات مختلف با سطوح مختلف پیچیدگی مراقبت کند؛ به‌عنوان مثال، دکترین مبتنی بر یگان‌های زرهی با تحرک بالا ممکن است علیه چریک‌ها یا تروریست‌ها در یک (درگیری با شدت کم) کارایی نداشته باشد، اما از یک عملکرد عالی در برابر طرح‌بندی دفاعی چند لایه متعارف برخوردار باشد.

1. New Military Doctrine (NMD)

2. McCabe

۴. نیروها، لجستیک و ارتباطات باید از قابلیت در زمان برخوردار باشند. خروج نیروهای موردنیاز برای از بین بردن دشمن به محض ایجاد نیاز، اصل مشکل است. اگر دشمن به این باور برسد که نیروهای دوست در همه جا حضور دارند، حمله برای دشمن بسیار دشوار خواهد بود.

۵. دکترین نظامی جدید باید با آموزش متعادل نیروها و فرماندهان آغاز شود. میدان‌های نبرد آینده به رهبران سریع و چابک نیاز دارد. این فرماندهان باید قادر به تدوین سریع مفاهیم، برنامه‌ریزی عملیات، تصمیم‌گیری و فشار برای ادامه جنگ باشند (نیلسون^۱، ۲۰۲۰: ۴۳۷). رهبران چابکی که با سرعت و دقت، شرایط محیط خود را بسیار سریع‌تر از دشمن تنظیم و اعمال می‌کنند، پیروزی‌های قاطعی را رقم خواهند زد؛ بنابراین، برنامه‌های آموزشی مناسب و مستمر مبتنی بر سیستم‌های خودکار میدان نبرد برای فرماندهان نظامی موردنیاز است. کیفیت رهبری از نظر آموزش، انگیزه و نوآوری، جنگ‌های آینده را رقم خواهد زد. بار روی دوش سرباز نظامی‌ای که شلیک می‌کند، چندین برابر افزایش می‌یابد. این سربازان باید برای کار با چندین سلاح در مناطق مختلف، شرایط محیطی و به‌طور مشترک با سایر نیروها آموزش ببینند. توسعه نیروی انسانی اساس دکترین نظامی جدید است.

دکترین نظامی جدید باید بر اساس ارزیابی دقیق و به‌موقع خسارات جنگ بر روی دشمن باشد. اگر ضربه اول در برابر دشمن موفق باشد، به حمله دوم و سوم هیچ نیازی نیست. ارزیابی خسارات جنگ در جنگ‌های آینده یک فعالیت ضروری خواهد بود؛ زیرا امکان استفاده از نیروهای خودی را به روشی بسیار انعطاف‌پذیرتر تغییر می‌دهد. این امر به فرماندهان در تخصیص وسایل، جمع‌آوری دارایی‌ها و اجرای برنامه‌های جمع‌آوری کمک می‌کند. ارزیابی خسارات جنگ (به‌موقع، دقیق و پیوسته) ویژگی کلیدی دکترین نظامی جدید است. ویژگی‌های کلیدی دکترین نظامی جدید در جدول شماره ۲ به‌طور خلاصه آمده‌است.

جدول ۲. ویژگی‌های کلیدی دکترین نظامی جدید

ویژگی‌های کلیدی دکترین نظامی جدید
<ul style="list-style-type: none"> • پذیرایی از تهدیدات پیش‌بینی نشده • بر پایه دانش • انعطاف‌پذیر • به موقع • نیروی انسانی بسیار خوب آموزش دیده • ارزیابی دقیق خسارات جنگ

(منبع: نویسندگان)

دکترین نظامی جدید

برای مقابله با میدان‌های جنگی با متراکم کمتر، ساختار کمتر، مرگبارتر، سریع، نامشخص، غیرخطی، میدان‌های نبرد مبتنی بر فناوری پیشرفته و دانش روز، جهت‌گیری مجدد و تجدید ساختار نیروهای مسلح ضروری است.

جدول ۳. اصول جنگ (جدید)

اصول جنگ
<ul style="list-style-type: none"> • هدایت هر عملیات نظامی به سمت یک هدف مشخص، تعیین کننده و قابل دستیابی. • ابتکار عمل را دست آورید، نگه دارید و از آن بهره‌برداری کنید. • تمرکز قدرت رزمی در مکان و زمان تعیین کننده. • تخصیص حداقل توان رزمی ضروری به تلاش‌های ثانویه. • با استفاده انعطاف‌پذیری، قدرت جنگی دشمن را در موقعیت منفی قرار دهید. • برای هر هدف، وحدت تلاش تحت یک فرمانده مسئول را تضمین می‌کند. • هرگز به دشمن اجازه دستیابی به یک مزیت غیرمنتظره را ندهید. • حمله به دشمن در یک زمان / مکان و به شیوه‌ای که برای آن آماده نیست. • برنامه‌های واضح و بدون عارضه و دستورات واضح و مختصر را برای اطمینان از درک کامل آنها آماده کنید.

دکترین نظامی جدید باید انعطاف‌پذیر باشد و تهدیدات پیش‌بینی نشده و پیش‌بینی شده را برطرف کند. تهدیدهای آینده از یک درگیری با شدت کم تا یک نیروی فناوری بالا مبتنی بر فناوری‌های انقلابی در امور نظامی با حمایت دکترین نیروی مشترک متغیر است. جدول شماره ۴ سطوح مختلف تهدید و راه‌های مقابله با این تهدیدات را فهرست می‌کند.

جدول ۴. سطوح تهدید آینده و روش‌های مقابله با آنها

ردیف	تهدید	مقابله
۱	درگیری با شدت کم/جنگ چریکی/شورش	دکترین اطلاعاتی / تبلیغاتی / ضدشورش
۲	استقرار نظامی مبتنی بر جنگ فرسایشی چهره‌به‌چهره (طرح دفاع چندلایه اتحاد جماهیر شوری سابق)	دکترین بر اساس تانک‌های بسیار سیار / واحدهای نفوذ زره‌پوش
۳	دکترین نفوذ تانک / وسایل نقلیه زرهی سیار	دکترین نبرد هوایی/دنبال کردن حمله نیروها/ ضربه عمیق ضربه سخت
۴	نیروهای دکترین هوایی	جنگ فضایی و الکترونیکی، مهمات هدایت‌شونده دقیق یکپارچه در فرماندهی، کنترل، ارتباطات، رایانه، اطلاعات، نظارت و سیستم شناسایی با پشتیبانی فناوری انقلاب در امور نظامی
۵	انقلاب در امور نظامی با حمایت نیروهای تحت‌نظر نیروی مشترک	ترکیبی از جنگ الکترونیک و مهمات هدایت‌شونده دقیق در سطح استراتژیک با پشتیبانی واحدهای بسیار کوچک که قادر به مختل کردن خطوط ارتباطی دشمن، سیستم فرمان و کنترل قادر به تشخیص اطلاعات نادرست / استتار / جنگ اطلاعاتی هستند.

اولین تهدید درگیری با شدت کم است که بسیاری آن را محتمل‌ترین خطری که هر کشور را در آینده نزدیک با آن مواجه خواهد شد، می‌دانند. نیروهای مسلح باید در یک جمعیت غیرنظامی که به شدت پر از تروریست‌ها و شورشیان است، بجنگند. نیاز به سازماندهی نیروهای مسلح برای عملیات ویژه^۱ و ضدشورش^۲ وجود دارد. سطح دیگر تهدید، نیروهای مبتنی بر دکترین متعارف است که از طرح دفاع چندلایه اتحاد جماهیر شوری سابق یا دکترین جنگ متحرک که توسط اسرائیل علیه کشورهای عربی به کار گرفته شده بود، الگوبرداری شده است که با موفقیت طرح دفاعی چندلایه را شکست داد. نیروهای دکترین نبرد زمینی نیز به‌طور قطعی توانستند نیروهای طرح دفاعی چندلایه عراق را در جنگ خلیج‌فارس در سال ۱۹۹۱ شکست دهند. برای شکست نیروهای دکترین نبرد هوایی، به قابلیت‌های جدیدی در جنگ

1. Special Operations(SO)
2. Counter Insurgency (COIN)

اطلاعاتی، فضایی و جنگ الکترونیک^۱ و مهمات هدایت‌شونده دقیق^۲ نیاز است. این فناوری‌های جدید در امور نظامی که در یک دکترین نیروی مشترک تعبیه شده‌اند، باید ثابت کنند که مانع بزرگی برای حمله متعاقب نیروها^۳ و نیروهای دکترین نبرد هوایی هستند. برای شکست نیروهای تحت‌حمایت انقلاب در امور نظامی نیاز به از بین بردن پیوندهای بین واحدهای مختلف وجود دارد. این پیوندها عباراتند از ارتباطات، جنگ‌های الکترونیکی و فضایی، لینک‌های فرمان و کنترل و لینک‌های لجستیکی؛ که می‌توان آنها را با ایجاد اختلال مداوم در مراکز فرمان و کنترل و مراکز ارتباطی دشمن از طریق استفاده از واحدهای خودگردان کوچک که قادر به جنگ اطلاعاتی هستند، شکست داد. به‌طور خلاصه، ما به نیروهایی نیاز داریم که در تعداد زیادی از واحدهای بسیار مستقل و خودمختار با اندازه کوچک‌تر سازماندهی شوند که توسط یک سیستم حمل‌ونقل و نگهداری انبوه پشتیبانی می‌شوند تا از تمام تهدیدات بالقوه مراقبت کنند. نیروهای آینده زمین، هوا و فضا بسیار متحرک خواهند بود و بلوک‌های ساختمانی اصلی آنها واحدهای مبتنی بر دانش بنیان هستند که قادر به انهدام دشمن با فرسایش انتخابی عناصر کلیدی دشمن هستند.

۱. دکترین برای نیروهای زمینی

واحدهای کوچک، مستقل و دارای قابلیت جنگ اطلاعاتی باید از طریق یک سلسله پیوندهای ارتباطی چندمنظوره، اضافی، قابل اعتماد، مقاوم در برابر خطا، هوشمند، گره‌های فرماندهی و کنترل، پیوندهای پشتیبانی لجستیک و پیوندهای فضایی و جنگ الکترونیکی به یکدیگر متصل شوند. این پیوندها باید ایمن باشند و باید در کل فضای نبرد نفوذ کنند؛ جایی که فضای نبرد به‌عنوان کل وسعت نیروهای دشمن از جمله نیروهای رزمی، پیوندهای استراتژیک، انبارهای تدارکات و مراکز فرماندهی تعریف می‌شود؛ بنابراین، قابلیت‌های موردنیاز برای آینده نه‌تنها رصد فضا و زمین خود، بلکه همچنین فضا و زمین دشمنان بالقوه با هدف انتقال سریع تعداد زیادی از واحدهای سیار است که

1. Space & Electronic Warfare (SEW)
2. Precision Guided Munitions (PGM)
3. Follow-on-Forces Attack (FOFA)

قادر به مبارزه و تخریب فیزیکی دشمن هستند. این اطلاعات دسته‌های (جوخه) رزمی و کشنده^۱ نام خواهند داشت و در سه بخش سازماندهی خواهد شد: بخش اسلحه، بخش جنگ‌های اطلاعاتی و بخش فرماندهی، کنترل، ارتباطات، رایانه، اطلاعات، نظارت و شناسایی. سازماندهی اطلاعات دسته‌های رزمی و کشنده پیشنهادی در جدول شماره ۵ آورده شده است.

جدول ۵. اطلاعات دسته‌های رزمی و کشنده

سازمان اطلاعات دسته‌های رزمی و کشنده		
بخش اسلحه	بخش جنگ اطلاعاتی	بخش فرماندهی، کنترل، ارتباطات، رایانه، اطلاعات، نظارت و شناسایی
الف) ضد سلاح‌های هوایی • موشک‌های زمین به هوای قابل حمل • موشک‌های ضد موشک قابل حمل	الف) واحد پهپاد • جمع‌آوری اطلاعات برد کوتاه و متوسط • قابلیت ضربه کوتاه‌برد	الف) واحد ارتباطات • اتصالات رایانه‌ای به اطلاعات دسته‌های رزمی و کشنده
ب) سلاح‌های ضد زره • موشک‌های ضدتانک • اسلحه ضدتانک	ب) واحد جنگ الکترونیک • پارازیت الکترونیکی • سامانه‌های اقدام متقابل الکترونیکی • سامانه‌های اقدامات پشتیبانی جنگ الکترونیک	ب) واحد سیگنال‌ها • مبتنی بر محاسبات سیار (تلفن همراه)، سیستم مبتنی بر چندرسانه‌ای • با استفاده از جی‌پی‌اس
ج) سلاح‌های ضد نفر • خمپاره‌های سبک کالیبر بالا که قادر به شلیک مهمات هوشمند هستند. • استفاده دوگانه از اسلحه‌های سریع برای دوربرد (تیرانداز از خفا) و کوتاه‌برد.		ج) واحد تحلیل • مرکز فرماندهی اطلاعات دسته‌های رزمی و کشنده • مرکز فرمان و کنترل

اطلاعات دسته‌های رزمی و کشنده در نیروی زمینی، هوایی و فضایی بسیار یکپارچه بافته شده‌اند که از آنها با اثرات مخربی بر روی دشمن با سرعتی بی‌نظیر در محیط نظامی امروزی استفاده می‌کند. فرماندهان اطلاعات دسته‌های رزمی و کشنده، رهبران مستقلی خواهند بود و برای مقابله با تهدید درگیری با شدت کم، بخشی از نیروهای زمینی باید به‌صورت نیروی عملیات

ویژه و یک نیروی ضدشورش سازماندهی شود. نیروهای عملیات ویژه نیازمند توانایی برای رسیدن به مناطق شورشیان، حفظ خود در چنین مناطقی و با امنیت ارتباط برقرار کردن هستند. آنها برای وارد کردن آسیب به تأسیسات منطقه حیاتی دشمن - فرودگاه‌ها، شبکه‌های جاده‌ای و مقرها، به سلاح‌های قابل حمل سبک و انسانی نیاز دارند. علاوه بر این، این نیروها به وسیله‌هایی برای بازگشت به قلمرو خود در کنار سلاح‌های حفاظت از خود نیاز دارند.

نیروهای ضد شورش به سلاح‌های تک‌تیرانداز بسیار دقیق و سیستم‌های آموزشی تیراندازی نیاز دارند. ابزاری برای نفوذ افراد و تجهیزات به منطقه نبرد از یک پایگاه امن و خارجی موردنیاز است و از این رو، تقاضا برای وسایل نقلیه هوایی نفوذی، تجهیزات ارتباطی سبک و قابل حمل، سیستم‌های ضدتانک و همچنین، مواد تخریب وجود دارد. نیروهای ضدشورش به قابلیت حمله هوایی سریع و سلاح‌ها و سیستم‌های حسگر نیاز دارند که بتواند حرکات انسان را در مناطق دورافتاده تشخیص دهد و نیاز به یک سیستم جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل و انتشار اطلاعات کاملاً یکپارچه در سطح ملی وجود دارد.

نیاز به باز نگه‌داشتن مسیرهای ارتباطی، نیاز به تشکیلات زرهی متحرک سریع را ایجاد می‌کند که بر شبکه‌های جاده‌ای تسلط دارند و از قابلیت تعمیر سریع پل‌های آسیب‌دیده و سایر بریدگی‌های جاده برخوردار باشند. نیروهای ضدشورش نیاز به هواپیماهای تهاجمی با قابلیت تحویل دقیق سلاح با عملیات شب و زمان‌های طولانی نیاز دارند و ابزاری برای رهگیری، مکان‌یابی و رمزگشایی ارتباطات رادیویی شورشیان نیز موردنیاز است.

اطلاعات دسته‌های رزمی و کشنده باید علاوه بر نقش‌های سنتی نگهبانی پیاده‌نظام، بتوانند نقش‌های عملیات ویژه و ضدشورش را نیز انجام دهند؛ با این حال، اطلاعات دسته‌های رزمی و کشنده‌ها عملیات نگهداری را به‌طور معمول انجام نمی‌دهند که مستلزم اشغال فیزیکی پست‌ها است. در عوض، اطلاعات دسته‌های رزمی و کشنده‌ها در منطقه‌ای که با استفاده از پهپادها برای اطلاعات کوتاه‌برد و برد بلند، نظارت و شناسایی فعالیت می‌کنند. به محض شناسایی حمله دشمن، به‌سرعت بر روی دشمن قرار می‌گیرد. حفاظت

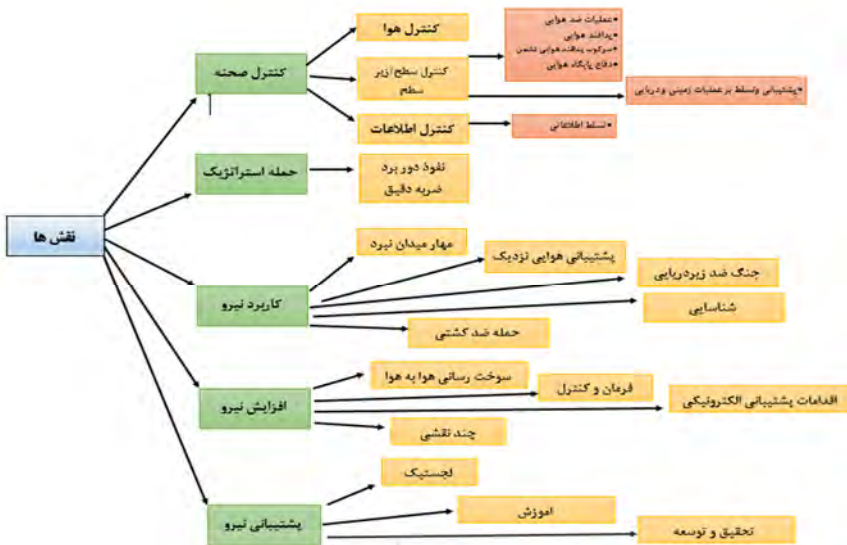
از نیروهای توپخانه دوربردی که در امتداد مرز در ترکیبی از پست‌های دائمی و پست‌های متحرک مستقر هستند، تأمین می‌شود.

برای حملات زمینی بانفوذ عمق بیشتر توسط واحدهای زرهی، این دکترین خواستار نفوذ واحدهای تانک کوچک‌تر به داخل دشمن و سپس ترکیب آنها در زمان حمله به یک نیروی انبوه بسیار مؤثر است. تانک‌های آینده، باید به‌خوبی توسط تفنگ‌های خودکشی و اطلاعات دسته‌های رزمی و کشنده پشتیبانی می‌شوند، عنصر کلیدی نیروی ضربت خواهند بود؛ با این حال، دکترین از آنها می‌خواهد تا حد امکان از تانک اجتناب کنند و بر حرکت و تصرف مواضع کلیدی دشمن در داخل قلمرو دشمن تمرکز کنند. این مواضع توسط اطلاعات دسته‌های رزمی و کشنده‌ها حفظ خواهد شد و تانک‌ها به حرکت بیشتر ادامه خواهند داد. در تمامی این عملیات‌ها نقش نیروی هوایی حیاتی خواهد بود. نیروی هوایی نه‌تنها برای پشتیبانی از عملیات رزمی بلکه برای پشتیبانی از عملیات لجستیک زمینی نیز مورد نیاز خواهد بود.

۲. دکترین برای نیروی هوایی

نیروی هوایی یک کشور، صحنه اصلی جنگ‌های فناوری پیشرفته آینده خواهد بود. نقش‌های کلیدی نیروی هوایی در شکل شماره ۳ آورده شده است. کنترل صحنه به‌عنوان فعالیت اصلی نیروی هوایی در نظر گرفته می‌شود. کنترل صحنه نه تنها به‌معنای توانایی تضمین آزادی برای انجام عملیات هوایی و در عین حال محروم کردن دشمن از این توانایی است، بلکه به کنترل زمین و دریا نیز اشاره دارد. مراحل کلیدی در کنترل صحنه در شکل شماره ۴ نشان داده شده است.

حملات استراتژیک یعنی توانایی حمله به ابزار قدرت دشمن مانند مراکز فرمان و کنترل، نفت، برق، سدها، اهداف اقتصادی، اهداف نظامی در عمق خاک دشمن و غیره است. نقش اصلی نیروی هوایی در شرایط جنگی کامل علیه دشمن است. علاوه بر اینها، نیروی هوایی برای ممانعت از تسلط بر میدان جنگ، پشتیبانی هوایی نزدیک و غیره مورد استفاده قرار خواهد گرفت.



شکل ۳. نقش‌های کلیدی نیروی هوایی

(منبع: نویسندگان)

پشتیبانی یک عنصر کلیدی است و هیچ نیروی هوایی‌ای نمی‌تواند بدون قابلیت پشتیبانی نیرو عمل کند. نقش نیروی هوایی، دکترین باید تلاش کند تا آن دسته از قابلیت‌هایی را که به کشور مربوط می‌شود، با در نظر گرفتن تهدیدات شناخته‌شده، ارتقا دهد؛ با این حال، برای مراقبت از تهدیدات غیرمنتظره و مبهم باید یک نیروی هوایی متعادل ایجاد شود.



شکل ۴. مراحل کلیدی در کنترل صحنه

(منبع: نویسندگان)

نیروی هوایی در سال‌های آینده به‌طور فزاینده‌ای در همه حوزه‌های امور نظامی مورد استفاده قرار خواهد گرفت. چهار قابلیت وجود دارند که به دلیل تغییرات بزرگ فناوریانه، گسترش قدرت هوایی را نیز تغییر می‌دهند که شامل پویایی استراتژیک، اثرات مانور قدرت هوا، توانایی تولید یک تصویر از میدان جنگ مشترک در دسترس همه و قابلیت حمله دقیق هستند. بنابراین، اولین و مهم‌ترین هدف دکترین باید دستیابی به توانایی‌های بیشتر برای چنین تحرکی باشد. با توجه به وضعیت فوق‌العاده‌ای که در حال توسعه است، نیروی هوایی باید به‌عنوان یک توانایی جنگی با سرعت بالا در نظر گرفته شود.

با در نظر گرفتن موارد فوق، دکترین نیروی هوایی در جدول شماره ۶ خلاصه شده است. دکترین نیروی هوایی باید با نیروهای زمینی هماهنگ باشد؛ با این حال، دکترین نیروی هوایی باید منعکس‌کننده اتحاد بیشتری با نیروی دریایی باشد؛ چراکه نظارت هوایی بر مناطق وسیع اقیانوس می‌تواند توسط سکوی انتقال هوایی به شیوه‌ای بسیار بهتر از کشتی‌های بزرگ انجام شود.

جدول ۶. نکات برجسته دکترین نیروی هوایی

- * انعطاف‌پذیری در تغییر نیروها از یک صحنه به یک صحنه دیگر؛
- * دستیابی به برتری هوایی؛
- * اگر برتری هوایی کلی ممکن نیست، سعی کنید به برتری هوایی محلی دست یابید؛
- * تهیه مهمات و سنسورهای هدایت‌شده دقت به جای سکوی با تکنولوژی بالا؛
- * مأموریت‌های ضربتی عمیق تنها در صورتی باید انجام شود که احتمال موفقیت زیاد باشد؛ در غیر این صورت، مأموریت‌های عمیق را تا زمانی که این احتمال افزایش (با استفاده عاقلانه از سرکوب پدافند هوایی دشمن، موشک‌های دوربرد دقیق و جنگ اطلاعاتی) یابد، به تعویق بیندازید.

۳. دکترین برای نیروهای دریایی

برای کشوری که با آب‌های آزاد و اقیانوس‌ها در ارتباط هستند، دکترین دریایی از اهمیت بالایی برخوردار است. نیروی دریایی دارای سه بعد است: سکوهای هوایی، سطحی و زیرسطحی. کاملاً واضح است که سکوهای زیرسطحی مهم‌ترین نیاز آینده جنگ - یعنی رادار گریزی - را با ترکیبات فعلی جنگ - یعنی قدرت آتش و تحرک - ترکیب می‌کنند؛ بنابراین، یک دکترین دریایی مبتنی بر نیروی زیرسطحی، نیاز آینده است. شواهدی که این موضوع را تأیید می‌کند، گسترش دو فناوری است: الف. استفاده گسترده از ماهواره‌های نظارت بر اقیانوس؛ ب. موشک‌های بالستیک با هدایت پایانه‌ای. از این‌رو، در خصوص دکترین مبتنی بر زیردریایی باید دقت کافی شود؛ چون نیاز به زیردریایی‌های تهاجمی و نظارتی وجود دارد. در جنگ‌های سطحی، پلتفرم‌های مختلف به‌طور قابل‌توجهی شروع به تکثیر نیروی فعال خواهند کرد؛ مانند کشتی‌های زرادخانه و پایگاه‌های متحرک فراساحل.

کشتی زرادخانه یک سکوی نسبتاً ساده است که تعداد زیادی (حدود ۵۰۰) موشک از انواع مختلف را حمل می‌کند. این کشتی می‌تواند قدرت آتش کافی را در اختیار هر نیروی دریایی قرار دهد. برای کشوری‌های منطقه‌ای با توانایی اثبات‌شده در توسعه موشک، باید یک نیروی سطحی بر اساس مفهوم کشتی زرادخانه که طراحی ساده اما با قدرت آتش قابل‌توجهی است، برنامه‌ریزی شود.

به‌طور خلاصه، نیروهای دریایی باید تعدادی کافی از کشتی‌های زرادخانه‌ای را در اختیار داشته باشند که توسط زیردریایی‌های تهاجمی پشتیبانی می‌شوند. سکوهای دفاعی پایگاه دریایی سیار با هواپیماهای تهاجمی، پدافند هوایی و شناسایی از پیش تعیین‌شده خواهند بود. علاوه بر این، هواپیماهای شناسایی دریایی مستقر در زمین و زیردریایی‌های نظارتی/گشتی به‌طور مداوم برای جمع‌آوری اطلاعات و نظارت استفاده خواهند شد.

نتیجه‌گیری

دقت و هوشمندی و قدرت تخریب بالای تسلیحات باعث گردیده‌است تا جنگ‌ها سریع، قاطع و با شدت عمل زیاد، در زمانی کوتاه و در مقیاسی وسیع

صورت گیرد. انطباق سطوح تاکتیکی و استراتژیکی نیز سبب گردیده‌است تا عملیات نظامی به‌طور هم‌زمان در مناطق مقدم نبرد و در عمق استراتژیک کشور هدف کشانده شده و دستیابی به اهداف حیاتی و سیاسی را مقدور سازد. گرایش‌ها در سامانه‌های مختلف تأثیرگذار بر ساختار جهان نشان‌دهنده تغییر از سازمان‌های یکپارچه بزرگ به واحدهای کوچک، بسیار به‌هم‌پیوسته و مستقل است که با هم در یک روش یکپارچه عمل می‌کنند. این ساختارها بر اساس دانش هستند. با توجه به پیشرفت‌های قابل‌ملاحظه در فناوری، نیروهای نظامی آینده متشکل از واحدهای بسیار به‌هم‌پیوسته با استقلال بیشتر و قدرت آتش خواهند بود. میدان آینده، جنگ سرعت، مرگبار بودن و عدم اطمینان را افزایش خواهد داد.

پیش‌بینی می‌شود که فضای جنگ در آینده بیشتر از فضای مجازی بهره خواهد جست؛ این فضای سیال و خارج از حواس انسان که به استعاره می‌توان آن را ذهن نامید. ماهیت این فضا نزد نظریه‌پردازان مختلف، متفاوت است. در این جنگ‌ها تمرکز به عقبه، نه با مرزبندی مشخص، بلکه نوعی تلاش از درون با حمله از راه دور به صورت اطلاعات پایه یا دانش محوری استوار خواهد بود. یکی از هدف‌های اصلی در جنگ‌های آینده، نشانه‌روی اراده درون نیروها و آنچه در مغزها است، می‌باشد. در جنگ‌های آینده طرف‌های جنگ به سلاح، به معنایی که در عرصه گذشته و حال از آن یاد می‌شود، متوسل نمی‌شوند. در تبیین معنا و مفهوم سلاح در جنگ‌های آینده باید گفت که به‌طور کلی منظور از سلاح، ابزار و وسیله و حتی روش‌هایی است که می‌توان از آن برای ازپای‌درآوردن دشمن با اختلال در روند او استفاده کرد.

بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که یک دکترین مبتنی بر فناوری‌های به‌هم‌پیوسته برای مراقبت از تهدیدات پیش‌بینی‌نشده، ناشناخته و متعدد موردنیاز است و بنابراین، هدف باید شروع یک بحث آگاهانه در مورد این موضوعات باشد. ساختارهای اساسی که جهان آینده را شکل خواهند داد، سامانه‌های قدرت، سامانه‌های فناورانه، سامانه‌های ژئوپلیتیک، سامانه‌های اجتماعی و سامانه‌های تجاری/اقتصادی هستند و باید تأکید کرد که تمام این

سامانه‌ها مستقل عمل نمی‌کنند، بلکه روش‌هایی برای نگرستن به روندهای جهانی هستند. پیوندهای متقابلی بین این سامانه‌ها وجود دارد که بر هر یک از آنها در ابعاد مختلف تأثیر می‌گذارد و هر یک از آنها باید به‌عنوان سامانه‌های مستقل به‌منظور شناسایی تأثیر آنها در جنگ‌های آینده مورد مطالعه قرار گیرند.

با بررسی آثار و دیدگاه‌های برخی از نظریه‌پردازان نظامی غرب و شرق، مشخصات زیادی برای جنگ‌های آینده قابل استخراج است؛ از جمله می‌توان به مواردی همچون عملیات سریع و قاطع، راه اندازی ائتلاف و انجام عملیات مرکب، انجام عملیات تأثیرمحور یا مبتنی بر تأثیر، هم‌زمان سازی قدرت، انجام عملیات غیر خطی، به‌کارگیری نیروهای ویژه، ارزیابی همه‌جانبه اطلاعاتی، درگیری هم‌زمان در سطوح سه‌گانه، انجام عملیات پیش‌دستانه، استمرار عملیات تحت هر شرایطی در هر زمانی و مکانی به‌صورت ناپیوسته و نامتناوب، توسعه صحنه نبرد و نفوذ بر عمق هدف، تکیه بر عملیات روانی، حمله به مرکز ثقل، آفند مسطح، تهاجم هرابی و موشکی دقیق، مدیریت زمان، کاهش هزینه‌های جنگ، مدیریت آستانه تحمل ملت‌ها، تأکید بر عملیات سایبری و مجازی‌سازی جنگ، تغییر در نرع مانور، تکیه بر ابزارهای الکترونیکی و مخابراتی، رویکرد شبکه محوری به جنگ، به‌کارگیری تاکتیک ناهم‌تراز، ناهمگون و با نامتقارن در جنگ‌های آینده، مد نظر قراردادن ابعاد و جنبه‌های مختلف جنگ نرم، استفاده از توانمندی‌های پهپاد، انتخاب راهبرد آمادی بر مبنای پشتیبانی متمرکز و پیوند هنر، علم و فناوری در جنگ‌های آینده اشاره کرد.

بررسی دکترین دشمن در جنگ‌های آینده، نشانگر آن است که آنان همواره در جهت دستیابی به فناوری برتر تلاش می‌کنند؛ بنابراین، ما ناگزیر هستیم با درک صحیح از صحنه نبرد آینده، نه تنها فاصله خود را با دشمنان کاهش دهیم، بلکه شرایط را به نفع خود تغییر دهیم. از آنجاکه توانایی‌های فرماندهی و ابعاد روحی و روانی نیروهای مسلح برای دفاع و مقابله با دشمنان را در اختیار داریم، بنابراین، نیاز به تربیت و توجه به پرورش ویژگی‌های فرماندهی برای

جنگ‌های آینده بسیار ضروری خواهد بود. راه مقابله با راهبرد دشمن در جنگ‌های آینده، ب کارگیری راهبرد موثر چهار مؤلفه است: رهبری و مرجعیت مقتدر دینی، جنگاوران ایمانی، پایداری توده‌ای و مردمی و دستیابی به فناوری‌های روز آمد و تأثیرگذار تسلیحاتی.

تقدیر و تشکر

پژوهشگران بر خود لازم می‌دانند از تمام کسانی که در انجام پژوهش حاضر یاری‌رسان بودند، تقدیر و تشکر نمایند.



فهرست منابع

منابع فارسی

- تافلر، آلوین (۱۳۷۷). جنگ و ضدجنگ: بقا در آستانه قرن بیست و یکم، ترجمه شهین دخت خوارزمی. تهران. سیمرغ.
- دانش آشتیانی، محمدباقر (۱۳۸۸). اصول و روش تدوین دکترین نظامی. پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی، ۲(۳)، ۷۱-۱۷.
<https://sid.ir/paper/188796/fa>
- قنبری جهرمی، محمدحسین (۱۳۹۴). فرآیند طراحی رهنامه بازدارندگی همه‌جانبه ج.ا.ایران در چشم‌انداز بیست‌ساله کشور. راهبرد دفاعی. ۱۳(۲)، ۱ - ۳۸
- مرادپیری، هادی، خضرای، حمیدرضا (۱۳۹۹). نقش فناوری‌های نوین اطلاعاتی در جنگ‌های آینده. فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم. ۱۰(۲)، ۱۵۹ - ۱۷۷
- آقابالا زاده، علی‌اصغر، شریفیان، محمداسماعیل (۱۳۹۷). رهبری عملیات در جنگ‌های آینده: دکترین فرماندهی مأموریت‌محور رویکردی نوین در مواجهه با تهدیدات پسامدرن، تهران، نیروی پدافند هوایی آجا.

منابع انگلیسی

- Barany, E (1992). Nad knihou Alvina Tofflera: Powershift, Knowledge, Wealth and Violence at the Edge of the 21st Century. Pravny Obzor, 75, 349.
- Dothan, A (2018). Contemporary battleground and innovative technological solutions. Zeszyty Naukowe Akademii Sztuki Wojennej.
- Dale, C (2014). The 2014 quadrennial defense review (QDR) and defense strategy: Issues for Congress. Washington, DC: Congressional Research Service.
- Hall, G. M (2013). The ingenious mind of nature: Deciphering the patterns of man, society, and the universe. Springer.
- Headquarters, U. S (2020). Department of the Army, 2012. Commander and staff officer guide, army tactics, techniques, and procedures (Army tactics, techniques, and

- procedures(ATTP) 5-0.1). Washington, DC: Department of the Army.
- Jaiswal, N. K(2012). Military operations research: quantitative decision making(Vol. 5). Springer Science & Business Media.
 - Krieg, A., & Rickli, J. M(2018). Surrogate warfare: the art of war in the 21st century?. Defence studies, 18(2), 113-130.
 - Marquis, S(2011). Unconventional Warfare: Rebuilding US Special Operation Forces. Brookings Institution Press.
 - Martyanov, A(2019). The(real) revolution in military affairs. SCB Distributors.
 - McCabe, T. R(1997). A Strategy for Unanticipated Threats. Strategic Review, 25, 55-61.
 - Newmyer, J(2010). The revolution in military affairs with Chinese characteristics. The Journal of Strategic Studies, 33(4), 483-504.
 - Nilsson, N(2020). Practicing mission command for future battlefield challenges: the case of the Swedish army. Defence Studies, 20(4), 436-452.
 - Toffler, H(1993). War and anti-war survival at the dawn of the 21st century.
 - Toffler, A(2022). Powershift: Knowledge, wealth, and power at the edge of the 21st century. Bantam.
 - Tzu, S(1993). The Art of War, Wordsworth Reference.